

مطالعه تطبیقی خط‌مشی سیاسی سلفیت اصلاحی - تنویری و سلفیت جهادی - تکفیری

قربانعلی قربانزاده
استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)
فریدون فائزی نیا
کارشناس ارشد مسائل ایران
سمیه ترابی*
کارشناس ارشد مطالعات منطقه ای

چکیده

مواضع نظری و عملی گروه‌های سلفی در پی دگرگونی شرایط تاریخی- اجتماعی و الزامات سیاسی، در معرض تحول و تغییر بوده است. جنبش سلفیه به‌عنوان یکی از حرکت‌های تأثیرگذار در جهان اسلام طی صدسال اخیر، محرک و موجد جنبش‌های سیاسی و اجتماعی در کشورهای اسلامی بوده است. تعارضات در نظریه و عمل سلفی‌گری خود موجب تقابل میان اعضای گروه‌های سلفی در جهان اهل سنت شده که شعبات مختلف جنبش‌های سلفی اخوانی و وهابی، نمونه بارز این واقعیت است. هدف این پژوهش، تجزیه تحلیل وجوه افتراق و اشتراک فکری و عملی سیاسی سلفیت اصلاحی- تنویری با سلفیت جهادی- تکفیری است. مهم‌ترین سؤال در این زمینه این است که چه تفاوت و تشابهی میان اندیشه و خط‌مشی سیاسی سلفی اصلاحی- تنویری و سلفی جهادی- تکفیری وجود دارد؟ فرضیه پژوهش حاضر این بود که میان آن دو علیرغم مبانی عام نظری مشترک، در شیوه تحقق حکومت اسلامی، جهاد و اصلاح جامعه، تفاوت اساسی وجود دارد. با گسترش این خط‌مشی‌ها در خاورمیانه و اهمیت مواضع ایران در قبال این تحولات، پرداختن به موضوع سلفیت، اهمیت خاص دارد که مبین ضرورت پژوهش درباره این موضوع است. پژوهش حاضر با کاربرد روش تحقیق تاریخی- تطبیقی از نوع توصیفی- تحلیلی به این نتیجه رسید که علیرغم مبانی نظری مشترک میان سلفی‌گری اصلاحی- تنویری و سلفی‌گری جهادی- تکفیری، در شیوه عملی تحقق حکومت اسلامی و جهاد و اصلاح جامعه، تفاوت‌های بارز و حاد میان آن دو وجود دارد که یکی طریق اصلاح و تنویر و دیگری شیوه جهاد و تکفیر را برای احیای اسلام دنبال می‌کند.

واژگان کلیدی: خط‌مشی سیاسی سلفی، سلفیت اصلاحی تنویری، سلفیت جهادی تکفیری، سلفی اخوانی، سلفی وهابی.

مقدمه

یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در عمل سیاسی گروه‌های سیاسی از جمله سلفی‌ها، مرام آنان در کیفیت سیاست‌ورزی از مرحله نظر تا عمل است. این مقاله می‌کوشد عقاید و انگاره‌های سیاسی، اجتماعی و دینی گروه‌های سلفی اصلاحی - تنویری معطوف به اخوان‌المسلمین را با گروه‌های سلفی جهادی - تکفیری معطوف به وهابیت مقایسه کند که از جمله مسائل قابل توجه در این باره، دیدگاه آنان به نوع حکومت، رقابت سیاسی و حکومت اسلامی، امت و ملت، جهاد و تکفیر است. مهم‌ترین سؤال در این زمینه این است که چه تفاوت و تشابهی میان اندیشه سیاسی سلفی اصلاحی - تنویری و سلفی جهادی - تکفیری وجود دارد؟ فرضیه پژوهش حاضر این است که میان آن دو علیرغم مبانی نظری مشترک، در شیوه تحقق حکومت اسلامی، جهاد و اصلاح جامعه، تفاوت اساسی وجود دارد که یکی طریق مسالمت و دیگری شیوه خشونت را برای احیای اسلام دنبال می‌کند. با گسترش این تفکرات در خاورمیانه و اهمیت مواضع ایران در قبال این تحولات، پرداختن به موضوع سلفیت، اهمیت خاص دارد که مبین ضرورت پژوهش درباره این موضوع است.

شکل‌گیری سلفی‌گری، یکی از مهم‌ترین جریانات ایدئولوژیک و فکری تاریخ مسلمانان است که توانست به پشتوانه ادبیات فقهی و کلامی و نیز نشانه‌شناسی متکی بر شبکه معنایی گسترده، نیاز گرایشی جریان‌های سیاسی سلفی را مجسم و آن‌ها را در اشکال روز، بازتولید کند. کتب و مقالاتی مرتبط با موضوع بحث، منتشر شده است که به مواردی اشاره می‌شود. مقاله جنبش اخوان‌المسلمین و جایگاه آن در سیاست خارجی مصر از محمد محمودیان در سال ۱۳۹۱ به جایگاه این جنبش در تحولات بیداری اسلامی و نقش آن در آینده سیاست خارجی مصر نظیر مناسبات با ایران، قرارداد کمپ دیوید، حقوق مردم فلسطین و روابط با آمریکا می‌پردازد. مقاله سلفی‌گری در عراق جدید و تأثیر آن بر مباحث قومی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران نوشته آقایان طحان‌منش و قدیری در سال ۱۳۹۱ به تأثیر جریان سلفی‌گری در عراق برای مهار و تضعیف موقعیت ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک شیعه با محوریت جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. مقاله رویکردشناسی فلسفی و معرفتی سلفی‌گری از آقای سید باقر سیدنژاد در سال ۱۳۹۰ از رهگذر تأمل در مبانی سلفی‌گری نشان می‌دهد که معرفت دینی این جریان با دعاوی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، روش‌شناختی و معناشناختی خاص خود، ادبیات سلفی‌گری را دارای نظام نشانه‌شناسی ایدئولوژیک و ضدفلسفی ساخته است. کتاب بنیادهای فکری القاعده نوشته آقای محمد محمودیان در سال ۱۳۹۰ نیز ضمن تأکید بر ریشه‌های داخلی شکل‌گیری القاعده به زمینه‌های خارجی این پدیده می‌پردازد و کتاب بنیادگرایی سلفیه: بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی از آقای حسین هوشنگی در سال ۱۳۹۰ با بررسی ویژگی شاخص و مبانی نظری جریان‌های بنیادگرا، نسبت آن‌ها را با سایر جریان‌های اسلامی مانند روحانیت سنتی

و متفکران دینی متجدد و وجوه همسانی و ناهمسانی بنیادگرایی را با ایدئولوژی جمهوری اسلامی بررسی می‌کند و موضع آن‌ها را به مقولات عدالت، توسعه، مدرنیته و فرهنگ ارزیابی می‌کند، اما مطالعه حاضر از یک منظر با مطالعات دیگر تفاوت دارد و آن مطالعه تطبیقی دو جریان مهم این اندیشه در قالب اندیشه تنویری و تکفیری است که توجه به تشابهات و اختلافات این دو، در موضع‌گیری ایران در قبال آن، ضرورت مضاعف می‌یابد. در تطبیق این دو جریان در چهارچوب نظریه جنبش هویتی اسلامی، اثر مستقلی وجود ندارد که رسالت نوشتار حاضر، انجام این مهم است.

مبانی نظری: جنبش هویتی اسلامی

جنبش به معنی حرکت یا رفتار نسبتاً منظم و مستمر گروهی برای رسیدن به هدف اجتماعی - سیاسی مشخص و بر اساس نقشه معین انقلابی یا اصلاحی است. (آقای‌بخشی، ۱۳۷۴: ۲۱۳) جنبش با پسوند اسلامی به معنای تلاش منسجم جمعی برای پیشبرد اهداف اسلامی است. (عارفی، ۱۳۷۹: ۱۷) جنبش اسلامی جنبشی است که اسلام و عمل به آن، تمام ابعاد آن را پوشش می‌دهد. این جنبش با الهام از آموزه‌های اسلامی، حاضر به پذیرش سلطه فرهنگی و فیزیکی بیگانه نبوده و حفاظت از سرزمین اسلامی را واجب می‌داند. (غفاری هشجین، ۱۳۹۳: ۵۱)

هویت (Identity) در فرهنگ لغات یعنی آنچه موجب شناسایی شخص است و حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد. (صفورایی، ۱۳۸۶: ۳۷) هویت اسلامی، ریشه در آیین اسلام، قرآن کریم، پیامبر (ص)، اهل بیت (ع) و تاریخ صدر اسلام دارد. هویت اسلامی، مؤلفه اصلی مسلمانی است. استحکام این مؤلفه، به انسجام و سازگاری اجزای آن با هم و با عالم خارج بستگی دارد. (عارف، ۱۳۸۹: ۱۲۴) هویت دینی در جنبش‌های اخیر، نقش برجسته دارد و آنچه در این جنبش‌ها بیش از مؤلفه‌های دیگر خودنمایی می‌کند، احیای هویت اسلامی است. هویت دینی (Religious Identity) یعنی شخص بداند چه دینی را انتخاب کرده و آن دین چه چیزی را از او می‌خواهد که انجام دهد و چه چیزی را باید ترک کند. بدیهی است که از پیامدهای تکوین هویت دینی، احساس تعهد و مسؤولیت در قبال ارزش‌ها و باورهای آن مکتب باشد. (صفورایی، ۱۳۸۶: ۳۷) یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری جنبش‌های نوین اجتماعی در جهان از جمله جنبش‌های اسلامی اعم از جنبش‌های اعتدالی یا افراطی از قبیل طالبان و القاعده، واکنش ملل مسلمان به سیاست‌های غربی‌سازی جهان اسلام، استراتژی اسلام‌هراسی جهان غرب، تحقیر هویت اسلامی از سوی غرب و در مجموع، بازگشت به هویت دینی است. (شمسینی و نجفی، ۱۳۹۱: ۷۷) نظریه‌پردازی درباره عوامل جنبش اسلام‌گرای معاصر بیشتر در چهارچوب گفتمان نوگرایی است (احمدی، ۱۳۷۷: ۵۹) اما جنبش‌های اسلامی معاصر، گونه‌ای از جنبش‌های اجتماعی هستند که در واکنش به بحران‌های مشروعیت، هویت و توزیع، و با خاستگاه فکری و

الگوی نجات بخش اسلام پدید آمده‌اند (موثقی، ۱۳۸۱: ۱) و نگاه ویژه به اسلام و تجدد داشته‌اند که می‌توان آن‌ها را در سه گروه تقسیم کرد:

۱. سنت‌گرایی محافظه‌کار که تجدد را رد کرد؛

۲. نوگرایی مترقی که مبانی تجدد را پذیرفت؛

۳. اصلاح‌طلبی اسلامی که جامع بین سنت و تجدد است. (شرابی، ۱۳۶۹: ۱۲)

خورشید احمد، تجربه جهان اسلام از رابطه با غرب استعماری در دو قرن اخیر را بستر مناسب برای تبیین تجدید حیات اسلامی می‌داند، زیرا تجدید حیات‌طلبی اسلامی معاصر را محصول فرآیند استعمار می‌داند. (احمدی، ۱۳۷۷: ۵۹) توسعه جوامع غربی و عقب‌ماندگی جوامع اسلامی، نخبگان سیاسی و فکری مسلمان را به چاره‌جویی واداشت. گروهی، راه پیروی از تمدن غرب را پیمودند که خورشید احمد، آن را «استراتژی نوگرایی» می‌نامد. گروه دیگر، بازگشت به سنن اسلامی را راه جلوگیری از انحطاط دانستند که در این گروه، دو شیوه نگرش درباره اسلام ظهور کرد. نگرش اول، تمام مظاهر پیشرفت و تمدن غرب را انکار کرد که خورشید احمد آن را «استراتژی مقاومت حفاظتی» می‌نامد. گروه دوم، رهیافت‌گزینشی دارد که این را «استراتژی تجدید حیات اسلامی» می‌خواند و ریشه بیشتر جنبش‌های اسلامی معاصر است. (احمدی، ۱۳۷۷: ۶۰)

هرایر دکمجیان (Richard Hrair Dekmejian) با استناد به دو مفهوم سقوط و رستاخیز، جنبش‌های رستاخیزی در تاریخ اسلام را واکنش مسلمانان به سقوط و انحطاط می‌داند یعنی در تاریخ جوامع مسلمان، در برابر هر سقوط و انحطاط، یک جنبش فکری یا سیاسی رستاخیزی با هدف احیای مجدد دین اسلام رخ داده است. تفاوت محیط پیدایش، توسعه و ترویج سنت اسلام سلفی وهابی و اسلام سلفی اخوانی، باعث تفاوت در متدولوژی فهم دین شد و هر دو جنبش، محصول واکنش به تعارضات احساس شده میان تعالیم اسلامی و واقعیات محیطی بود که برای هر یک هویتی مختلف ایجاد کرد. با بررسی جهان اسلام از منظر بحران هویت، مشارکت، مشروعیت و غیره می‌توان یک رابطه علی میان بحران و جنبش بنیادگرا در جهان اسلام ترسیم کرد که به موازات ایجاد بحران در دنیای اسلام، جنبشی در واکنش به آن، شکل گرفت. (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۶۰) در نظر دکمجیان اعتقاد مسلمانان (به‌ویژه اهل سنت) به حدیث نبوی مجدد قرن، درباره وجود و برانگیختن فردی برای احیای دین اسلام در هر قرن، انگیزه مهم برای ظهور جنبش‌های فکری و سیاسی اسلامی در ۱۵ قرن تاریخ اسلام بوده است. دکمجیان نمونه‌های متعدد جنبش‌های رستاخیزی سنی و شیعه را از دوران بنی‌امیه تا نیمه دوم قرن بیستم به‌عنوان حرکت‌های رستاخیزی در جهان اسلام ذکر می‌کند. این حرکت‌های رستاخیزی در شرایطی ظهور می‌کند که جامعه اسلامی در یک محیط بحرانی گسترده گرفتار می‌آید که شش بحران فرعی را نیز در درون خود در بر

دارد. این بحران‌ها از نظر دکمجیان عبارت‌اند از بحران هویت، مشروعیت، آشوب و فشار، کشمکش طبقاتی، ضعف نظامی و فرهنگ. (غفاری، ۱۳۹۱: ۴۷)

از دیدگاه رضوان سید^۱ مهم‌ترین مشکل جریان‌ات اسلام‌گرا از ابتدا تا امروز، مسائل هویتی است. هویت، مسئله بنیادین اصلاح‌گری اسلامی در سده بیستم شد و مسئله پیشرفت را که در نیمه دوم قرن نوزدهم ذهن همه را جلب کرده بود، کمرنگ ساخت، زیرا خلافت اسلامی زوال یافت و تشکیل دولت ملی، باعث بحران در جهان اسلام به‌ویژه هند و مصر شد. با بروز مسئله هویت، جمعیت‌های اسلامی با هدف حفظ شخصیت اسلامی با اتکا بر آیین‌ها، نمادها، رفتارها و اندیشه اصول‌گرا و احیاگرا ایجاد شد. (صالحی و رضایی، ۱۳۸۸: ۱۰)

مهم‌ترین دغدغه این جنبش‌ها احیای هویت به‌عنوان راهکار غلبه بر بحران انحطاط جوامع اسلامی است. این جنبش‌های هویتی، تأثیر سرنوشت‌ساز بر امنیت جوامع خود دارند، اما باید در تفاوت تأثیر آن‌ها به نوع نگرش آن‌ها به موضوع هویت توجه کرد. (فوزی، ۱۳۸۹: ۱۷۰)

ویژگی اساسی دوران معاصر جهان اسلام، چالش‌های بنیادین ناشی از تهاجم مدرن غرب است. بخشی از اندیشمندان جوامع اسلامی، مجذوب دنیای غرب مدرن شدند و پیروی از غرب را مطرح ساختند. عده‌ای از مصلحان مسلمان نیز در مخالفت با غرب، ایده بازگشت به خویشتن را طرح کردند. مقاله حاضر، درصدد بیان تفاوت دو گروه سلفی‌تنویری و تکفیری در پرتو تفاوت هویت آن دو است، زیرا هویت اسلامی در عصر معاصر همواره در معرض تهاجم بیگانگان و در خطر استحاله بوده است که باعث بحران هویت در جوامع اسلامی شده است. از این‌رو، اندیشمندان اسلامی به فکر حل این بحران بوده و جنبش‌های اسلامی خواهان بازگشت به هویت دینی خود بوده‌اند.

معنی‌شناسی و هستی‌شناسی سلفی‌گری

از حیث معنی‌شناسی که دانش بررسی معنی در زبان انسان و ارتباط بین واژه و معنی است (منوچهری، ۱۳۸۷: ۱۰۷)، واژه سلف در لغت به معنای پیشین (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۲۲)، گذشته، در گذشته و کسی که در پیش می‌زیسته است. (معین، ۱۳۸۶: ۸۴۸) و مشتقات آن سالف، سالفه، سلیف و سلف بر تقدم و سبقت، دلالت دارد و نسبی است یعنی هرزمانی، سلف زمان آینده خود است و در مقابل آن، «خلف» قرار دارد. (علیزاده موسوی، ۱۳۸۹: ۲۷) سالف یعنی متقدم و مراد از اصطلاح سلف، کسانی است که در سه قرن اول اسلام می‌زیستند و شخص سلفی، مدعی است که در فهم دین، مسلک و عقاید، تابع سلف است. (علیانسب، ۱۳۸۷: ۲۱)

مفهوم سلف در اصطلاح اهل سنت و شیعه متفاوت است؛ اهل سنت، سلف را گروهی از مسلمانان شامل صحابه، تابعین و

۱. رضوان‌السید (متولد ۱۹۴۹ میلادی) استاد مطالعات اسلامی دانشگاه بیروت و روشنفکر لبنانی از نویسندگان فعال در حوزه تاریخ اندیشه سیاسی است.

تابعین تابعین می‌داند و دلیل برتری این سه نسل را نزدیکی زمانی و مکانی آن‌ها به پیامبر اعظم (ص) و تلقی بهتر وحی می‌داند. (علیاناسب، ۱۳۸۷: ۲۷) سلفی‌گری به معنای اصلاح‌گری و پیرایش دین از خرافات، در بین مسلمانان امری رایج است. (رضوانی، ۱۳۸۹: ۲۰) سلفی‌گری از نظر سامر اسلامبولی^۱ در پی آن است که جامعه‌های گذشته، سلطه خویش را بر آیندگان هموار کنند. اسلامبولی، این گروه را اهل توقف نامید؛ به دلیل آنکه شئون زندگی مردم مسلمان را در چهارچوب شرایط زمانی و مکانی صدر اسلام محدود می‌سازد. (موتقی، ۱۳۸۶: ۱۰۸) تلاش سلفیان برای اعتباربخشی به سلف، استناد مدام به عمل صحابه و سلب تعقل است. (حلبی، ۱۳۸۴: ۷۶) ابن تیمیه^۲ در قرن هشتم هجری، آغازگر کاربرد اصطلاح سلفی بود و مقصود او از آن، مذهب اصحاب اهل حدیث است که در آن زمان رو به نسخ نهاده بود و به دنبال احیای آن بود. (پاکتچی، ۱۳۹۰: ۳۱) در قرون بعد، اولین گروه‌های سلفی، وهابیون در عربستان و فرایضیان در هند بودند که پس از آن‌ها، گروه‌های مختلف بنیادگرای اسلامی در اهل سنت ظهور یافتند. عمده‌ترین استناد سلفیون، به آثار و اقوال ابن تیمیه، ابن قیم جوزیه^۳ و شاه ولی‌الله دهلوی^۴ است. از جنبش‌های سلفی تاریخ معاصر، تنها وهابیون عربستان توانست حکومت تشکیل داده و به ایدئولوژی رسمی دولت عربستان سعودی تبدیل شود. سایر جنبش‌های سلفی در جهان اسلام مثل اخوان المسلمین مصر از ۱۹۲۹ و شاخه‌های تکفیری - جهادی آن مانند جماعت اسلامی و جهاد اسلامی از اوایل دهه ۱۹۸۰ و مهم‌ترین نماینده جنبش جهادی سلفی یعنی القاعده که در دوره کوتاه پس از جنگ افغانستان توانست نقشی در تشکیل حکومت اسلامی داشته باشد، همواره در موقعیت مخالفت و مبارزه با سیاست امریکا و اسرائیل در خاورمیانه و دولت‌های حاکم در جوامع اسلامی بوده‌اند. (محمودیان، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۱۱)

سلفی‌گری به لحاظ هستی‌شناختی، یک جریان رئالیستی حس‌گرا و تجردگریز در توحید ذاتی و عالم غیب است که مهم‌ترین اصل معرفت‌شناسی آن نقل‌گرایی به معنای ترجیح نقل بر عقل و

۱. سامر اسلامبولی (متولد ۱۹۶۳ میلادی) از محققان سوری و از ناقدان سلفیه در کتاب *تحریرالعقل من النقل* می‌نویسد: برخی می‌پندارند که راه و رسم فکری، فرهنگی و زندگی را باید از میراث گذشتگان و بدون توجه به عامل تغییر زمان و مکان، اخذ کرد و عیناً بر زمان حال و آینده منطبق ساخت.

۲. ابن تیمیه حرانی (۶۶۱-۷۰۷ هجری قمری) عالم الهیات و حدیث و فقیه حنبلی و سلفی و بنیان‌گذار نظری وهابیت است. *منهاج السنه النبویه* و *توحیدالالهویه* از کتب او است.

۳. محمدبن ابی‌بکر بن ایوب بن سعد بن حریر زرعی دمشقی معروف به ابن قیم الجوزیه (۶۹۱-۷۵۱ هجری قمری) از روحانیون حنبلی مذهب می‌باشد. *الصواعق المرسله*، *زادالمعاد*، *مفتاح دارالسعادة* و *منثور ولایة‌العلم* و *الارادة* از آثار او است.

۴. شاه‌ولی‌الله محدث دهلوی (۱۱۱۴-۱۱۷۶ هجری قمری) از اصلاح‌گران اسلامی در شبه قاره هند بود که نهضت شاه‌ولی در آغاز به منظور اصلاح اندیشه‌های دینی و خرافه‌زدایی ایجاد شد و فرقه دیوبندی در اندیشه‌های او ریشه دارد. آثاری در فقه و حدیث دارد که الفوز الکبیر فی اصول التفسیر از آثار او است.

مرجعیت آن به لحاظ روش‌شناختی است. واژه تقدم را چه به معنای حجیت و استقلال در حکم بگیریم و چه به معنای اولویت در هنگام تعارض با نقل یا به معنای طریقت در فهم وحی بدانیم، سلفی‌گری، حجیت و استقلال عقل را در دو قلمرو عقل نظری و عملی باطل می‌شمارد. (سیدنژاد، ۱۳۹۰: ۱۳۸)

مبانی عام سلفی‌گری

جنبش‌های اسلام‌گرا در اصول ایدئولوژیک، علی‌رغم اختلاف در روش و برنامه عملی، اشتراک نظر دارند که از جمله مشترکات، موارد زیر است:

۱. اسلام، روش کامل زندگی است.
۲. غرب‌زدگی، علت نارسایی اجتماعی، اقتصادی، نظامی و سیاسی جوامع اسلامی است.
۳. بازگشت به اسلام و حاکمیت الهی، لازمه اعاده قدرت و موفقیت مسلمانان است.
۴. به‌منظور تحقق حکومت اسلامی و عدالت اجتماعی، نیاز به بیان مجدد شریعت است.
۵. وظیفه مسلمانان، جهاد در مقابل ظالمان و در صورت لزوم، شهادت در راه خدا است.
۶. متون مقدس دینی و به‌ویژه قرآن مجید، بهترین منبع الهام برای بسیج توده‌ها است. (اسپیتوزا، ۱۳۷۲: ۱۰۳)

با توجه به این اشتراکات، اصول عام سلفیان عبارت است از:

۱. تأکید بر نقل؛
 ۲. تمسک به ظواهر و نصوص قرآن و سنت؛
 ۳. تبعیت از سلف صالح؛
 ۴. تأکید بر جهاد؛
 ۵. توسعه معنایی و مصداقی شرک و کفر. (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۶۷)
- بهترین راه برای بررسی هر مذهب و مکتبی، شناخت مبانی اندیشه آن است؛ به این معنی که یک مکتب در حوزه‌های مختلف معرفتی چگونه می‌اندیشد که از این حیث، چهار حوزه عقل، نقل، کشف و تجربه کاربرد دارد. جریان سلفی در روش‌شناسی، نقل‌گرا؛ در معرفت‌شناسی، حدیث‌گرا؛ در هستی‌شناسی، حس‌گرا و در معناشناسی، ظاهرگرا است. برای تبیین ماهیت اندیشه سلفی‌گری، نوع توجه آن به جایگاه عقل و نقل در شناخت حقیقت اسلام و تکلیف مسلمانان، محور کانونی است. حجیت دلیل عقلی و مرزهای اعتبار آن میان مسلمانان، مورد مناقشه است. برخی مانند معتزله، جایگاه والا به عقل در شناخت حقایق دینی می‌دهند، اما اشاعره بر نقل، تأکید دارند.

ابوالحسن اشعری^۱، احمد بن حنبل^۲ و ابن تیمیه که آرای آن‌ها بر اندیشه سلفی تأثیر فراوان داشت، بر تقدم نقل در شناخت حقایق و احکام دینی تأکید دارند. اندیشه تقدم نقل بر عقل، و لزوم اتباع دانش سیاسی از نصوص، در مقابل خردگرایان جامعه اسلامی دوره میانه مطرح شد که معتزله و جناح عقل‌گرای مذهب شیعه، مشهورترین آن‌ها بود. (فیرحی، ۱۳۸۷: ۲۴۶) اهل حدیث با تأکید بر نقل، عقل را ابزاری در خدمت نقل می‌دانند.

به لحاظ معرفت‌شناسی، سلفی‌گری با تقدم نقل، به لحاظ معنی‌شناختی، بر ظاهرگرایی استوار است که معنای باطنی آیات قرآن را رد می‌کند، بر معنای ظاهری آن‌ها تأکید دارد و تفسیر عقلانی آیات را حرام، بدعت و شرک می‌داند. ابن تیمیه ادامه‌دهنده خط فکری احمد بن حنبل در سلفی‌گری، همین سیر را دنبال کرد. نتیجه ظاهرگرایی سلفیت در حوزه اندیشه سیاسی، تأکید بر ضرورت ایجاد حکومت اسلامی به مثابه شرط ضروری اجرای احکام اسلامی بدون توجه به شرایط زمان و مکان است. (محمودی، ۱۳۹۰: ۲۵۴-۲۶۲) رد نقش عقل، تمسک به سیره سلف صالح، رهیافت تقدیرگرا و اقتدارگرایی در عرصه سیاسی، ویژگی روش‌شناختی سیاسی اهل حدیث است که ریشه جریان‌های سلفی به آن بازمی‌گردد. (فیرحی، ۱۳۸۷: ۱۵۵) در اندیشه سیاسی سلفی به‌ویژه بعد از فروپاشی خلافت عثمانی و تقسیم سرزمین‌های اسلامی به‌عنوان قیومیت و مستعمره بین دول غرب و پیروی دولت‌های جوامع اسلامی از الگوی غربی مبتنی بر ناسیونالیسم و سکولاریسم، موضوعاتی از قبیل ضرورت تشکیل دولت، امارت، خلافت یا حکومت اسلامی اهمیت بیشتر یافت.

انواع سلفی‌گری

سلفی‌گری انواع مختلف دارد که به چند مورد اشاره می‌شود. سلفی تکفیری، مخالفان خود را کافر می‌شمارد و بر اساس مبنای فکری آنان، میان ایمان و عمل، تلازم وجود دارد. به این معنی که اگر کسی ایمان به خدا داشته باشد و مرتکب کبائر شود، از دین خارج شده و کافر می‌شود. مهم‌ترین نوع سلفی تکفیری، وهابیت است که فرقی میان شیعه و اهل سنت قائل نیست و همه را کافر می‌شمارد. (موسوی، ۱۳۸۹: ۸۰)

۱. ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری (۲۶۰-۳۲۴ هجری قمری) از متکلمان مسلمان است. در جوانی پیرو مکتب معتزله بود و سال‌ها مدافع عقاید معتزلی بود. در چهل سالگی از مخالفان آن مکتب شد و مکتب اشعری را بنیان نهاد. از جمله آثار او مقالات الاسلامیین و الإبانة عن اصول الدیانة است.

۲. احمد بن محمد بن حنبل (۲۴۱-۱۶۴ هجری قمری) متکلم و فقیه مسلمان که کتاب المسند از او است.

سلفی جهادی در اندیشمندان مصری خصوصاً سید قطب^۱ ریشه دارد. سید قطب، رهبر شاخه انقلابی اخوان المسلمین مصر، جهان امروز را جامعه جاهلی معرفی کرد. او که متأثر از اندیشمندان پاکستانی ابوالاعلی مؤدودی^۲ بود، نه تنها کشورهای غیراسلامی، بلکه کشورهای اسلامی را به علت اجرا نکردن قوانین اسلامی، جوامع جاهلی نامید که مسلمان در این شرایط، وظیفه دارد برای برپایی دین چه با کفار و چه با حاکمان دست نشانده کشورهای اسلامی، جهاد کند. (موسوی، ۱۳۸۹: ۸۲) این جریان فکری ضمن تأکید بر قابلیت اسلام، فلسفه جهاد را دفاع از مقدسات و دعوت به اسلام می‌داند (باقری، ۱۳۹۳: ۶۷) و از جهاد برای مشروعیت بخشی خشونت و وسیله‌ای مؤثر علیه دشمنان خود استفاده می‌کنند. جهاد اکبر در گذشته، مبارزه با نفس بود، اما امروزه آن را مبارزه بیرونی علیه دشمنان جامعه و نوعی استراتژی برای گسترش اسلام و استقرار نظام واقعی اسلام بر اساس شریعت قلمداد می‌کنند. مؤدودی جهاد را نبرد انقلابی برای اجرای دستورات خداوند بر روی زمین می‌داند و همه مسلمانان وظیفه دارند برای ریشه‌کنی ظلم و ستم از روی زمین جهاد کنند. (فراتی، ۱۳۹۱: ۵-۴)

سلفی اصلاحی که مسائل سیاسی و اجتماعی مسلمانان، دغدغه آن است. عقلانیت در معرفت‌شناسی آن، جایگاه خاص دارد. (هی‌وود، ۱۳۷۹: ۴۹۵) سلفی اصلاحی در واکنش به وضعیت اسفناک جهان اسلام و مسلمانان شکل گرفت و در پاسخ به این پرسش که چرا جهان اسلام با آن گذشته درخشان، عقب مانده و ضعیف شد، علت آن را در فراموشی میراث اسلامی و عمل نکردن به تعالیم اسلامی یافت. هدف این گروه، تقریب جهان اسلام است. از این رو، به این گروه «مصلحین» گفته می‌شود. پس هدف این گروه، بازگشت به اصول و فرمان‌های اسلام، مطابق کتاب و سنت و درعین حال، توجه به شرایط زمان و مکان و استفاده از عقلانیت است. علامه

۱. سید قطب (۱۹۰۶-۱۹۶۶ میلادی) نظریه‌پرداز مصری که به دلیل بازنگری در برخی از مفاهیم اسلامی نظیر جهاد، مشهور است. به دلیل بازنگری در تأثیر برخی از مفاهیم اسلامی بر تحولات اجتماعی و سیاسی نظیر جهاد، میان پژوهشگران اسلام سیاسی، مشهور است. او را آموزگار گفتمان تکفیر در سده بیستم خوانده‌اند. وی به دستور جمال عبدالناصر در سال ۱۹۶۶ میلادی، به اتهام توطئه برای براندازی رژیم، اعدام شد، اما اندیشه او سخت در ایدئولوژی جنبش‌ها و گروه‌های اسلام‌گرای تکفیری، جهادی و سلفی اثر نهاد و مفهوم‌های «جاهلیت جهان»، «حاکمیت الله» و «جهانی بودن اسلام» به تکفیر، انقلاب و خشونت پیوندی ناگسستنی خورد. مکتب فکری او به عنوان «قطبی‌گری» شناخته می‌شود.

۲. ابوالاعلی مؤدودی (۱۹۰۳-۱۹۷۹ میلادی) متفکر مسلمان و طرفدار احیای مذهب و مؤسس حزب جماعت اسلامی بود که خواسته اصلی آن، تشکیل حکومت اسلامی در پاکستان بود.

اقبال لاهوری^۱، سید جمال‌الدین اسدآبادی^۲ و شیخ محمود شلتوت^۳ از رهبران فکری این نوع سلفی‌گری هستند. (موسوی، ۱۳۸۹: ۸۸)

پیشینه سلفی‌گری اخوان‌المسلمین

دهه سوم قرن بیستم که در آن نظام خلافت اسلامی با فروپاشی امپراتوری عثمانی، به پایان رسید، نقطه عطفی در اندیشه سیاسی اهل تسنن بود. زوال خلافت عثمانی، جهان سنی را در امر نظام سیاسی با چالش جدی مواجه کرد. ویژگی خاص سلفی اخوان‌المسلمین مصر و تفاوت آن با سلفی وهابی را باید با نظر به بحران حکومت در جامعه مصر پس از فروپاشی خلافت عثمانی تحلیل کرد. بعد از انحلال خلافت اسلامی، جامعه مسلمان مصر در برابر دو چالش اساسی قرار گرفت: نخست، از نیمه دوم قرن نوزدهم با مسئله عقب‌ماندگی و انحطاط جوامع اسلامی و چیرگی تمدن غرب بر آن روبرو بود. دوم، زوال نهاد خلافت اسلامی موجب شد که اندیشمندان مصری در خلأ نظریه سیاسی رسمی، مجبور به ارائه الگوی نظری جدید حکومت اسلامی شوند. حسن حنفی^۴ معتقد است یکی از عوامل شکل‌گیری و ظهور جنبش‌های اسلامی، مقایسه وضع کنونی با وضع پیشین جوامع اسلامی است. او تشدید جنبش‌های اسلامی را با افزایش بحران‌ها مرتبط می‌داند و معتقد است این وضعیت، ارتباط مسلمانان را با اسلام به‌عنوان یگانه نسخه نجات‌بخش، شدت بخشید. به اعتقاد او جنبش‌های تندرو، اصلاحی و معتدل اسلامی با همین انگیزه و هدف ایجاد شدند. (علیزاده، ۱۳۸۹: ۱۱۳)

اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده^۵ و رشیدرضا^۶ در چنین بستری بر شکل‌گیری رویکرد سلفی اخوان تأثیر گذاشت. سید جمال، منادی تقریب جهان اسلام و پیشگام اصلاح تفکر

۱. محمد اقبال لاهوری یا علامه اقبال (۱۲۵۶-۱۳۱۷ هجری شمسی) شاعر، فیلسوف و متفکر مسلمان پاکستانی که اشعار زیادی به زبان فارسی و اردو سرود. او نخستین بار ایده کشور مستقل مسلمانان هند را مطرح کرد. مهم‌ترین کتاب او تجدید بنای اندیشه دینی در اسلام است.

۲. سیدجمال‌الدین اسدآبادی (۱۲۷۵-۱۲۱۷ هجری شمسی) ایرانی‌تبار که مبلغ اندیشه اتحاد در جهان اسلام است.

۳. محمود شلتوت (۱۳۸۳-۱۳۱۰ هجری قمری) مشهور به «شیخ شلتوت» و از رؤسای دانشگاه الأزهر و از مؤسسان دارالتقریب بین المذاهب‌الاسلامیه است. از کتب معروف او تفهیم قرآن کریم، نهج القرآن فی بناء المجتمع، الاسلام عقیده و شریعه است.

۴. حسن حنفی (متولد ۱۹۳۵ میلادی) که شهرت او به دلیل تأسیس جریان چپ اسلامی در مصر و تألیف التجدید و التراث است. مجموعه آثار او در سه حوزه است: ۱. بازسازی یا تجدید در میراث اسلامی؛ ۲. غرب‌شناسی؛ ۳. بازشناسی مسائل معاصر مسلمانان.

۵. محمد عبده (۱۳۲۳-۱۲۶۶ هجری قمری) فقیه و اصلاح‌گر دینی مصر که کتاب اصلاح المحاکم الشرعیه و الاسلام‌الرد علی منتقدیه از او است.

۶. رشید رضا (۱۸۶۵-۱۹۳۵ میلادی) اهل مصر و شخصیت نامدار نهضت سلفی یا اصل‌گرایی است که بر اسلام‌گرایان سده بیستم با طرح تجدید خلافت اسلامی تأثیر گذاشت. مجله المنار، تفسیر المنار و الخلافة او الامامه‌العظمی از آثار او است.

دینی، نگاه شرق‌شناسانه غرب به شرق را نقد کرد. به عقیده او، غربیان در شرق با روش‌های شگفت، روح میهن‌پرستی را خاموش می‌کنند، از تربیت جلوگیری می‌کنند و فرهنگ شرق را نابود می‌سازند. (حلبی، ۱۳۸۴: ۳۹) از نظر او، عقب‌ماندگی جوامع اسلامی ناشی از اعمال مسلمانان و بی‌توجهی آنان به احکام اسلامی است و از ذات اسلام نیست. هدف او اصلاح حال مسلمانان و نفی اتهام از ساحت اسلام بود. (قادری، ۱۳۸۶: ۲۱۶) به عقیده محمد عبده با تغییر و تحول در شیوه آموزش و رشد معنوی و اخلاقی جامعه می‌توان به جامعه آرمانی اسلامی دست یافت. به نظر او، اولویت اصلاح در جامعه مصر، تربیت اخلاقی و آمادگی فکری است که مقدم بر مبارزات سیاسی است و راه‌حل رفع مفسد اجتماعی نه جهش انقلابی، بلکه اصلاح تدریجی است. (ضابط‌پور، ۱۳۸۶: ۳۲)

رشید رضا با وجود تأثیر از اندیشه‌های انقلابی و اصلاحی در مقایسه با سید جمال و عبده در پاره‌ای از نوشته‌های خود - به خصوص در ماجرای احیای خلافت - به سلفی‌گری مصطلح نزدیک می‌شود، تا جایی که برخی، از سید جمال و عبده به اسلام‌گرای نوگرا و از رشیدرضا به اسلام‌گرای سنتی تعبیر می‌کنند. رشیدرضا برخلاف عبده که یک میهن‌پرست اصیل مصری بود، مخالف ملی‌گرایی و مدافع وحدت اسلامی بود، زیرا ملی‌گرایی را با وحدت جهان اسلام بیگانه تلقی می‌کرد. (حلبی، ۱۳۸۴: ۸۵) در سیر اندیشه رشیدرضا دو مرحله قابل تشخیص است: در مرحله اول، او تحت تأثیر عبده و سید جمال بود و عمری را در اصلاح‌گری، نواندیشی و ترقی‌خواهی گذراند. در مرحله دوم، اندیشه بازگشت به سنت و احیای نظام خلافت بود که در واکنش به بحران خلافت عثمانی شکل گرفت و آن را توطئه خارجی علیه جهان اسلام تلقی کرد.

سلفی‌گری اخوان المسلمین به لحاظ نظری، تحت تأثیر اندیشه‌های این سه اندیشمند مسلمان قوام یافت. جمعیت اخوان در سال ۱۳۴۷ ه. ق برابر با مارس ۱۹۲۸ با استفاده از افکار ابن‌حنبل، ابن‌حزم^۱ و نووی^۲ تشکیل شد. اخوان مراحل تبلیغ، جذب و گزینش اعضا، اجرا و عمل را گذراند گذراند (موسی‌الحسینی، ۱۳۷۵: ۷۸) که زاینده مقتضیات سیاسی و اجتماعی مصر پس از جنگ جهانی اول بود که رواج بی‌دینی در میان روشنفکران و گسترش فکری علمانیت از آن جمله بود. اندیشه حسن‌البننا، ترکیبی از نوگرایی عبده، اصلاح‌طلبی رشیدرضا و جنبش‌خواهی سید جمال با برنامه خاص خود بود که «دیدگاه اسلامی فراگیر» نامیده می‌شود. (آقایی، ۱۳۸۶: ۲۸) فلسفه وجودی اخوان را باید در فضای حاکم بر آن زمان جهان اسلام بررسی کرد. پیروزی کمال آتاتورک و برانگیختگی احساسات سیاسی مصریان در پی انقلاب سال ۱۹۱۹ بر ضد انگلیس،

۱. ابن‌حزم ابومحمد علی‌بن‌احمد بن سعید (۴۵۶-۳۸۴ هجری قمری) فقیه، محدث و فیلسوف اسلامی در اندلس بود. کتاب «الإیصال إلی فهم کتاب الخصال» و «الخصال الحافظ لجمال شرائع الإسلام» از آثار او است.

۲. یحیی بن شرف بن مرئ بن حسن بن حسین بن محمد بن جمعه بن حزام مشهور به نووی (۶۳۱-۶۷۶ هجری قمری) شافعی مذهب، در روستای نوبی از قریه‌های دمشق متولد شد. شرح صحیح مسلم و الروضة و الرياض از کتب او است.

زمینه شکل‌گیری اخوان را فراهم کرد. هدف اخوان، حاکمیت تعالیم اسلام و یگانگی اعراب بود. اخوان مصر، از یک‌سو اندیشه‌های سلفی رشیدرضا را داشت و از سوی دیگر می‌کوشید روش انقلابی استعمارستیز سید جمال را زنده کند. آنچه رشد و گسترش اخوان را سرعت بخشید، درگیری اعراب و اسرائیل به‌ویژه پس از ۱۹۴۸ و شکست ارتش‌های عربی در سال ۱۹۶۷ از ارتش اسرائیل بود. (خامه‌یار، ۱۳۹۰: ۴۲-۴۴)

پس از شکست ارتش‌های عربی که با شعار ناسیونالیسم عربی به جنگ اسرائیل رفت، اخوان این جنگ را جنگ اسلام و یهود تلقی کرد و علت شکست را دوری از اسلام دانست. ماهیت سلفی اخوان، دینی و نه فرقه‌ای است، یهودستیز و نه مسلمان‌ستیز است. سه اصل اساسی در منشور اخوان، برجسته است: (۱) اسلام، نظام جامع است، (۲) اسلام بر دو منبع کتاب و سنت، استوار است و (۳) اسلام بر همه زمان‌ها و مکان‌ها انطباق‌پذیر است (اساس‌نامه اخوان‌المسلمین مصوب ۱۹۴۵) که چنین نگرشی در تضاد با سلفی وهابی است. سلفی اخوانی برخلاف سلفی وهابی، به دخالت عنصر زمان و مکان در اجتهاد، اعتقاد دارد. اخوان، دشمنان خود را سایر فرقه‌های اسلامی نمی‌داند، بلکه لبه تیز دشمنی آن به‌سوی دشمنان خارجی نشانه رفته است. در اساس‌نامه اخوان آمده است که اخوان، پیشرفت تدریجی، تلاش سازنده، همکاری با دوستان راستین و نیکی را ترجیح می‌دهد و مایل نیست به هیچ‌کس با هر مذهب، نژاد یا تابعیتی، آسیب برسد.

از سلفی‌گری اصلاحی - تنویری به سلفی‌گری جهادی - تکفیری

اخوان که در دوره رهبری حسن‌البننا روش اصلاحی داشت، پس از کشته شدن او و در عصر سید قطب، حالت انقلابی گرفت و انشعاباتی مانند حرکت‌الجهاد و جماعه‌الاسلامیه از آن ایجاد شد و نظریه‌پردازانی مانند عبدالسلام فرج^۱، اخوان را به رویکرد جهادی - تکفیری هدایت کرد که ترور انور سادات رئیس‌جمهور مصر، نتیجه آن بود. حسن‌البننا منابع اساسی تعالیم اسلام را قرآن و سیره رسول اکرم (ص) دانست و تأکید کرد که مردم با اتکا بر این دو به کامروایی می‌رسند. او خواهان بازگشت به اسلام اصیل بود که به عرصه‌های زندگی انسان در هر دو جهان توجه دارد. اخوان در ابتدا دارای اهداف زیر بود: آزادی مصر و تمام سرزمین‌های عربی، و وحدت جهان اسلام. ارشاد و تبلیغ، سازندگی جامعه برای تأسیس حکومت اسلامی، تأکید بر مفهوم امت اسلامی، تعامل با فرقه‌های مسلمان، ضدیت با اسرائیل و حمایت از فلسطین از اصول گفتمان اسلامی اخوان است. (اکوانی، ۱۳۹۵: ۱۶۲-۱۶۴) از دیدگاه حسن‌البننا حوزه دین و سیاست از یکدیگر

۱. محمد عبدالسلام فرج (۱۹۶۲-۱۹۸۲ میلادی) متفکر مصری که در سال ۱۹۸۰ سازمان‌الجهاد را بنیاد نهاد. ایدئولوژی حاکم بر سازمان‌الجهاد ملهم از عقاید او است که در کتاب «الفریضه الغائبه» به صراحت بر آنها تأکید کرده است.

جدا نیست و دولت اسلامی، قدرت دینی و دنیوی را اعمال می‌کند. اصول مرامی او عبارت بودند از:

- اجتناب از جدال مذهبی؛
 - سیاست گام‌به‌گام (تبلیغ، بیان، تفسیر، عمل و نتیجه)؛
 - استفاده از نیروهای مختلف برای تحقق اهداف؛
 - تشکیل حکومت مقاومت در برابر تجاوزگران. (صبوری، ۱۳۹۴: ۹۳)
- اسلام‌گرایان افراطی در آغاز بر آثار اشخاصی مثل ابن تیمیه، مؤدودی و سید قطب و برخی بزرگان اخوان تکیه کردند، ولی به سرعت، به صورت‌بندی و انتشار افکار خود پرداختند. برخی رهبران جماعت‌التکفیر و الهجرة نیز نوشته‌های دسته‌جمعی مانند الصغایر و الاصرار علی الذنوب و التاویلات را نگاشتند. در ۱۶ اکتبر ۱۹۸۱ ائتلاف جماعت اسلامی و جهاد، کار خود را شروع کرد و اعضای سازمان، سادات را ترور کردند. (احمدی، ۱۳۹۰، ۷۵) سلفی‌گری جهادی - تکفیری با احیاء‌گری اسلامی در مصر و شام در مبارزه بر سر ظواهر اسلام اختلاف نظر داشت. احیاء‌گران اسلامی اخوانی در پی حفظ هویت اسلامی، مبارزه با غرب‌گرایی و بازگشت به اصول بودند. طرفداران سلفی‌گری در دهه ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم به سوی کشورهای خلیج فارس (زادگاه سلفی‌گری جهادی - تکفیری تحول‌یافته) سوق پیدا کردند و مسئله ناب ماندن توحید که مسئله اساسی سلفیون وهابی بود، خاطر آنان را مشغول داشت. سلفیون تکفیری - جهادی بر این باور بودند که شریعت، جز از راه وجود کسب قدرت با هدف اجرای شریعت، اجرا نمی‌شود. سید قطب با بیان ویژگی جهان‌بینی اسلامی و مقدمات آن و بحث از حاکمیت و جاهلیت، گام دیگری به سوی بنیادگرایی سلفی جهادی - تکفیری برداشت و به‌عنوان عضو برجسته اخوان المسلمین اولیه، تداوم سازمانی اخوان و شاخه‌های تندرو آن را فراهم ساخت. (محمودیان، ۱۳۹۰: ۱۳۹)
- در ادامه بحث، به وجوه تفاوت سلفی اصلاحی - تنویری با سلفی جهادی - تکفیری در ابعاد گوناگون از جمله حکومت اسلامی، احزاب و گروه‌های سیاسی، جایگاه امت و ملت، جهاد و تکفیر، تعامل با حکومت سکولار در کشور اسلامی و همچنین با بیگانگان و کفار پرداخته می‌شود.

وجوه تفاوت سلفی تنویری و سلفی تکفیری در باب حکومت اسلامی

حکومت مطلوب در نظر جماعت‌های اسلام‌گرا چیزی جز حکومت اسلامی نیست. جماعت اخوان با روش عمل‌گرا می‌کوشد مطلوبیت‌های مدنظر را برای نیل به نظام اسلامی به‌آرامی کسب کند. به همین علت، روش قهریه را در تشکیل حکومت اسلامی کنار نهاده است. جماعت اخوان بر اسلامی شدن قوانین و اعمال دولت اسلامی تمرکز دارد و حکومت اسلامی را به‌عنوان یک

آرمان حفظ کرده است. از این رو، جماعت اخوان، مشی سیاسی خود را بر ارشاد و تبلیغ در بطن جامعه مسلمان قرار داده است و تلاش دارد جامعه اسلامی را برای تأسیس حکومت اسلامی آماده کند. برخلاف جماعت اخوان، گروه‌های جهادی و تکفیری تلاش دارند با اعمال انقلابی، جامعه کافر شده را به جامعه‌ای مسلمان تبدیل سازد و حکومت اسلامی را از طریق جهاد و بیعت با خلیفه خود، احیا کنند؛ بنابراین، دیدگاه سیاسی سلفی اصلاحی و سلفی جهادی نسبت به تشکیل حکومت اسلامی، به‌رغم تشابه در ذات و اهمیت تأسیس حکومت، عملاً دو مسیر متفاوت را طی کرده است. (اخلاقی‌نیا، ۱۳۸۹: ۵۹)

گروه‌های جهادی - تکفیری در مقایسه با اخوان، علاقه بیشتری به حفظ نهاد خلافت به‌عنوان نماد حکومت اسلامی دارند و راهکار سید قطب و عبدالسلام فرج یعنی اصلاح امور مسلمین به‌صورت جهادی را پیگیری می‌کنند. (احمدی، ۱۳۹۰: ۷۰-۷۵) در حالی که منبع حاکمیت از نظر اخوان، خدا است و امیر با اراده ملت برگزیده می‌شود. امور مسلمانان با شورا اداره می‌شود و در اموری که نص صریح نیامده، اولی الامر و اهل شورا اجتهاد می‌کنند. هیچ‌کس حق ندارد حقی را که خداوند به کسی بخشیده از او سلب کند. به عبارت امروزی، نمی‌توان آزادی‌های اساسی را سرکوب یا حقوق بشر منصوص در شریعت چون آزادی اندیشه، کار و عبادت را منع کرد. (ریچارد، ۱۳۸۶: ۶۸)

وجه تفاوت سلفی تنویری و سلفی تکفیری در خصوص احزاب و گروه‌های سیاسی

اگرچه بن‌مایه دیدگاه سلفی چندان توافقی با نقش احزاب در حکومت اسلامی ندارد، گذر زمان و مقتضیات آن سبب شد که نظر برخی گروه‌های سلفی، از جمله اخوان به تکرر در جامعه اسلامی تغییر کند و موافقت خود را با تکرر و تحزب در جامعه اسلامی اعلام کند. اخوان در عرصه عمل و نظر، مفهوم تحزب، انتخابات و کثرت‌گرایی را تأیید کرد و ضمن پایبندی به قواعد دموکراتیک، پیگیر اهداف اسلامی شد. گروه‌های جهادی و تکفیری برخلاف جماعت اخوان، مفهوم تحزب و تکرر را در جامعه اسلامی و حکومت‌داری رد می‌کنند. محمد عبدالسلام فرج در رساله الفریضه الغایبه می‌نویسد: احکامی که امروز بر مسلمانان حاکم است، قوانینی کفرآمیز است که کافران وضع کرده و از این رو، او و سلفی‌های جهادی مفاهیمی چون تحزب مسلمانان را خلاف شرع می‌دانند. سلفی‌های جهادی و تکفیری با تفسیر خاص از دموکراسی و تکرر، آن را مطلقاً خلاف شرع می‌دانند و با هرگونه تحزب و آزادی بیان به‌شدت مخالف هستند. در نظام سیاسی مدنظر القاعده، با توجه به آن‌که نهاد خلافت، مطلوبیت خاص دارد و قوانین با تأسی به احکام الهی توسط فقها وضع می‌شود، مجالی برای احزاب یا تکرر سیاسی یا عقیدتی نیست. (اخلاقی‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۹) سید قطب به‌عنوان یک نظریه‌پرداز سلفی با هرگونه تحزب، مخالف بود و سرشت حکومت حزبی و انتخاباتی را مخالف شرع دانست. (سید قطب، ۱۳۷۳: ۱۰۷) تأثیر سید قطب در این زمینه بیشتر

روی سلفی جهادی - تکفیری بود تا اخوان المسلمین. (موسی الحسینی، ۱۳۷۵: ۱۲۱-۱۲۳) از آرا و نظرات در این باب مشخص می‌شود که نظرات تکفیری‌ها و تنویری‌ها در زمینه تحزب در جامعه اسلامی، بسیار متفاوت است.

وجوه تفاوت سلفی تنویری و سلفی تکفیری درباره نقش و جایگاه امت و ملت

امت اسلامی، مفهومی کل‌گرا است و شامل تمام مسلمانان دارالاسلام می‌شود که پیش از انشقاق کشورهای اسلامی در عصر مدرن، تحت لوای حکومت اسلامی و خلافت تعریف می‌شدند. برخلاف مفهوم امت، مفهوم ملت و ملیت با تعاریف معاصر، مفهومی کاملاً مدرن است. قومیت‌گرایی به دلیل تعارض با مفهوم امت و عدم همخوانی با مفهوم ملت، در سازوکار اعتقادی مسلمانان و جوامع اسلامی سنتی و ماقبل مدرن، تعریف نمی‌شد. اسلام‌گرایان سلفی در آغاز چندان اهمیتی به این مفهوم ندادند و بر مفهوم امت تأکید ورزیدند. سید قطب با مذمت ناسیونالیسم عربی، آن را مفهوم وارداتی و غربی دانست که مخدوش‌کننده قوام امت اسلامی است. او قومیت‌گرایی و ناسیونالیسم را نشانه جاهلیت دانست. قطب با تأکید بر مفهوم امت اسلامی در برابر ملت و ملی‌گرایی، ایدئولوژی و اساس مرام اسلام‌گرایان را در قبال این دست مفاهیم مشخص کرد که اسلام‌گرایان سلفی، از جمله اخوانی و جهادی و تکفیری در عرصه نظر، کمابیش با این دیدگاه موافق هستند. جماعت اخوان از آغازین روزهای تأسیس، مفهوم امت را پررنگ‌تر از مفهوم ملت دنبال کرد، اما می‌توان رگه‌هایی از ملی‌گرایی عربی را در دیدگاه رهبران این گروه یافت. (اخلاقی‌نیا، ۱۳۸۹: ۵۳)

جماعت اخوان به‌مرورزمان با کاستن نقش امت، تمرکز بیشتری بر ملت گذاشت. البته نباید جماعت سلفی اخوان را سازمان قومی و ملی‌گرا تصور کرد، بلکه به علت شرایط و کارکردهای ویژه که اخوان آن‌ها را پذیرفته، مفهوم ملت در عمل و نظر این جماعت، نقش تازه یافته است. برخلاف جماعت اخوان، گروه‌های سلفی جهادی - تکفیری، تمرکز خود را بر مفهوم امت اسلامی و دارالاسلام معطوف داشته‌اند. مفاهیم اعلامیه‌ها و مصاحبه‌های رهبران القاعده، متأثر از مفهوم امت است و جهان اسلام و جمیع مسلمانان را خطاب قرار می‌دهد، اما تأکید بر امت به معنای آن نیست که سلفی‌های جهادی به لحاظ تاکتیکی به مفهوم بسیج‌کننده قومیت و ملت بی‌توجه باشند. در برخی موارد، مفهوم ملت عربی در لفافه اسلام‌گرایی، مطلوبیت‌هایی از منظر اسلام‌گرایی سلفی جهادی داشته است که در ادبیات سلفی جهادی دیده می‌شود؛ بنابراین، سلفی‌های اصلاحی و سلفی‌های جهادی هر دو بر مفهوم امت اسلامی در برابر ملت و قومیت تأکید دارند. البته تأکید اخوانی‌ها بر ملت و قومیت تحت تأثیر شرایط حاکم بر مصر و کشورهای عربی تقویت شده است.

در مقابل، در دیدگاه سلفی‌های جهادی، قومیت‌گرایی با پوشیدن ردای مذهب، واجد نوعی اصالت عرضی شده و بر آن، تأکید تاکتیکی می‌شود. (اخلاقی‌نیا، ۱۳۸۹: ۵۳)

وجوه تفاوت سلفی تنویری و سلفی تکفیری در زمینه جهاد و تکفیر

بحث بر سر روایی یا ناروایی کاربرد خشونت جهت رسیدن به اهداف سیاسی از جمله جامعه و حکومت اسلامی در اواخر دهه ۱۹۶۰ ملهم از کتاب معالم فی‌الطریق سید قطب، الهام‌بخش اسلام‌گرایان جوان شد. (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۱۶۵) البته دایره این اقدامات تنها محدود به تبدیل جامعه جاهلی مسلمانان به جامعه اسلامی نبود، بلکه دوره بعد از تشکیل جامعه جهانی اسلامی را شامل می‌شد. (سید قطب، ۱۳۷۸: ۱۰) مشی عملی و نظری جماعت اخوان در اکثر موارد نشان می‌دهد که این سازمان چندان علاقه‌ای به ادبیات تکفیری ندارد و استفاده از آن عمدتاً برای نشان دادن تمایز اسلام و کفر یا دشمنان خارجی و دارالاسلام بوده است. به عبارت دیگر، جماعت اخوان علاقه و انگیزه کافی برای تکفیر غیرمسلمانان یا مسلمانان نداشته است. اخوانی‌ها به‌رغم سلفیت و تأثیرپذیری از آرای فقهی سلفی، به علت مشی اعتدالی خود و متأثر از عمل‌گرایی نهادینه‌شده، عقاید تکفیری را کم‌رنگ‌تر از سایر گروه‌های سلفی دنبال می‌کنند. جماعت اخوان اعلام کرده است که از درگیری در جدال مذهبی اجتناب می‌ورزد و تنها روح و جوهر اسلام را مبنای عمل قرار می‌دهد و از درگیری غیرضروری در فروع، خودداری می‌کند، اما تکفیر در سلفی غیراخوانی، خط سیر دیگری را دنبال کرد. خط سیر اندیشه تکفیر در این گروه‌ها گسترش یافت و تمام جامعه اسلامی حتی اسلام‌گرایان مخالف ایدئولوژی تکفیر را در بر گرفت. مطابق دیدگاه جماعت سلفی تکفیری و جهادی، کسانی که از مکتب فکری آنان پیروی نکنند، با عنوان «کافر، مشرک و منافق» تکفیر می‌شوند؛ بنابراین، تمام مسیحیان و یهودیان در دایره کفر قرار می‌گیرند و اهل تسنن که عقاید تکفیری را نپذیرند، منافق محسوب می‌شوند. شیعیان نیز گاه منافق و گاه مشرک دانسته شده‌اند؛ بنابراین، تمام این گروه‌ها به انحای مختلف با چوب تکفیر رانده می‌شوند و مستحق برخورد جهادی هستند. (اخلاقی‌نیا، ۱۳۸۹: ۶۳)

هر دو گروه سلفی اصلاحی - تنویری و جهادی - تکفیری در اصل وجوب جهاد، اشتراک دارند و نبرد بین حق و باطل و ایمان و کفر را سنتی ثابت در شریعت اسلامی می‌دانند. سید قطب در تداوم بسط اندیشه تکفیر، روش مسالمت اخوان را که از دوره حسن‌البناء خطمشی اصلی جماعت بود، کنار نهاد و برای برقراری حکومت اسلامی، جهاد را اجتناب‌ناپذیر دانست. جماعت اخوان که نمی‌خواست برخلاف خطمشی تاریخی خود، به خشونت مبتنی بر اندیشه تکفیر، متوسل شود، دچار اختلاف آرا شد که در نهایت، جهادگرایان اخوانی از جماعت انشعاب کردند و گروه‌های جهادی و تکفیری متعددی بنا نهادند. جماعت اخوان به‌رغم تأکید بر مفهوم جهاد، مخالف خشونت عریان است و جهاد را در مفهوم عمومی آن یعنی کوشش در راه خدا تفسیر و بدان عمل می‌کند،

اما جهاد از نظر جماعت‌های سلفی تکفیری، چیزی بیش از یک حکم فقهی فرعی و در ردیف اصول اولیه دین اسلام است. تکفیری‌ها بر این عقیده‌اند که جهاد با دشمنان خدا، امری ضروری و مکمل دعوت مسالمت‌آمیز به تشکیل حکومت اسلامی است. آنان با تمسک به آیات الهی، آرای فقهای سلفی و وهابی و تفسیرهای خاص خود، جهاد ابتدایی و هرگونه خشونت علیه هر کسی را جهاد در راه خدا تفسیر می‌کنند؛ بنابراین، درون‌مایه جهاد در جنبش سلفی تکفیری، ماهیت وهابی می‌یابد که با ماهیت چندگانه جهاد در نظر اخوانی‌ها و دوری از خشونت، متفاوت است. (اخلاقی‌نیا، ۱۳۸۹: ۷۰) با گسترش خشونت در مصر در اواخر دهه ۱۹۸۰، محمد سعید العشماوی^۱ با نگارش کتاب اسلام السیاسی درصدد پاسخ به ادعای اسلام‌گرایان رادیکال خشونت‌طلب برآمد و ضمن رد خشونت‌طلبی، مبانی فکری آن‌ها را مورد سؤال قرار داد و توجیه اقدامات تروریستی را بر اساس اسلام، معادل فحشا تلقی کرد. او در باب جهاد معتقد است که خشونت‌گرایان اسلام‌گرا با برداشت نادرست از آیات جهاد قرآن، اسلام را دین خشونت جلوه می‌دهند و اعتبار آن را به‌عنوان یک دین مصالحه‌جو و معنوی جهانی خدشه‌دار می‌سازند (احمدی، ۱۳۷۹: ۹۱) اما سلفی‌های جهادی - تکفیری در مقابل، از واژه تکفیر علیه مسلمانان و غیرمسلمانان استفاده می‌کنند. (محمودیان، ۱۳۹۰، ۱۴۵-۱۴۷)

وهابیت، متأثر از دیدگاه ابن تیمیه با گسترش مفهوم جهاد، شمار زیادی از مسلمانان سنی را نیز مشمول این حکم دانست. کتاب فی سبیل مؤدودی که در آن تفاوت بین جنگ و جهاد و لزوم جهاد ذکر شده، مورد توجه اخوان قرار گرفت و بر آن‌ها تأثیر گذاشت. (موسی الحسینی، ۱۳۷۵: ۲۴۵) از سوی دیگر، شیخ عمر عبدالرحمان در رساله خویش که رهبران القاعده از آن تأثیر پذیرفتند روایات منسوب به پیامبر را در باب جهاد اصغر و اکبر، جعلی دانسته و معتقد است جهاد صرفاً یک مفهوم دارد و آن دست بردن به اسلحه و واداشتن کفار به پذیرش اسلام است. (پل، ۱۳۸۱: ۲۰)

وجوه تفاوت سلفی تنویری و سلفی تکفیری در خصوص تعامل با حکومت سکولار در کشور اسلامی

سیاست به نظر اخوان، بخش مهمی از اسلام است. از نظر اخوان، عجیب است که کمونیسم، حکومت داشته باشد، سایر ملیت‌ها نیز سیستم حکومتی داشته باشند، ولی حکومت اسلامی نباشد تا برای اسلام کار کند. (موسی الحسینی، ۱۳۷۵: ۱۱۴) حکومت مدنظر تمام سلفی‌ها، حکومت اسلامی است که در رأس آن ولی‌امر یا خلیفه قرار دارد. جماعت اخوان بارها اعلام کرده که تشکیل حکومت اسلامی یکی از برنامه‌های آن است و تلاش خواهد کرد حکومت را از دست

۱. محمدسعید العشماوی (۱۹۳۲-۲۰۱۳ میلادی) نویسنده و متفکر مصری است.

کسانی که به فرمان خدا عمل نمی‌کنند، باز پس گیرند، اما تحقق این عمل، منوط به آن است که جامعه، آمادگی داشته باشد؛ بنابراین، روش اخوان، تدریجی و شامل مراحل تبلیغ، بیان و تفسیر ایدئولوژی، عمل و نتیجه می‌شود (البنّا، ۱۹۳۸: ۲۰). و از روش انقلابی اجتناب می‌ورزد، اما سلفی‌های جهادی - تکفیری برخلاف جماعت اخوان، رویکرد سلبی در قبال حکومت سکولار اتخاذ کرده و حکومت سکولار در کشور اسلامی را مظهر طاغوت و یار شیطان دانستند و رهبران لائیک دولت سکولار را به‌عنوان مهم‌ترین هدف حملات خود برگزیدند. سلفی‌های جهادی، امکان هرگونه اصلاح را با وجود حکومت سکولار در جامعه منتفی می‌دانند و رژیم کنونی در جوامع اسلامی را که احکام اسلامی اجرا نمی‌شود به پیروی از سید قطب، جاهل، فاسد و ضداسلامی می‌شمارند؛ بنابراین، راهبرد سلفی جهادی که مخالفت انقلابی با دولت سکولار است در تضاد با راهبرد اصلاحی و همزیستی اخوانی است. (اخلاقی‌نیا، ۱۳۸۹: ۸۱)

وجوه تفاوت سلفی تنویری و سلفی تکفیری در مورد بیگانگان و کفار

یکی از عوامل تأسیس و احیای جنبش اسلامی در جهان تسنن، مبارزه با حضور و نفوذ بیگانه بود. طی قرن گذشته، هر حرکت و جنبشی با انگیزه احیای اسلام، هدف خود را مبارزه با استعمارگران و بیگانگان اعلام کرده است. جماعت اخوان با استناد به قاعده «نفی سبیل»، خواهان حفظ شرافت اسلامی و پایان ذلت زندگی زیر یوغ استعمارگران حتی به قیمت شهادت بوده است و مرگ شرافتمندانه، بر زندگی ننگین و توأم با ذلت استعمار برتری دارد. گروه‌های جهادی - تکفیری همانند جماعت اخوان، نگاه منفی و خصمانه به بیگانگان دارند، اما برخلاف اخوان، تمامیت غرب و بیگانگان را مستحق احکام جهادی می‌دانند. (محمودیان، ۱۳۹۰: ۱۴۹-۱۵۰) البته، دشمنی اخوان با بلوک شرق و ایدئولوژی مارکسیسم به مراتب بیشتر از غرب بوده است. (خامه‌یار، ۱۳۹۰: ۱۸۹) به‌رغم تشابهات دیدگاه سلفی تکفیری - جهادی و سلفی تنویری - اصلاحی درباره بیگانگان و لزوم برخورد با آن‌ها، بین روش، راهبرد و تاکتیک آن دو تفاوت وجود دارد. اخوانی‌ها قائل به امکان تعامل، صلح و رابطه متقابل هستند، اما جهادی‌ها برخورد قهرآمیز را تجویز می‌کنند.

وجوه تفاوت مرام سیاسی سلفیت اصلاحی - تنویری و جهادی - تکفیری در جدول شماره (۱) گویای این امر است که علیرغم مبانی نظری مشترک، این دو جریان در راهبرد و روش عمل سیاسی، دارای اختلاف فاحش می‌باشند.

جدول (۱) بررسی تطبیقی مرام سیاسی سلفی اصلاحی - تنویری و سلفی تکفیری - جهادی - یافته های پژوهش

سلفی - متفکران	تکفیری - جهادی	تنویری - اصلاحی
سید قطب، عبدالسلام فرج	حسن الینا، جمال‌الدین اسدآبادی، رشیدرضا، محمد عبده	
موضوع		
روش دست‌یابی به حکومت	روش انقلابی خشونت‌آمیز	روش اصلاحی مسالمت‌آمیز
کثرت‌گرایی	رد کثرت‌گرایی	قبول تکثرت‌گرایی
امت و ملت	تأکید بر امت و رد ملت‌گرایی	قبول امت با گرایش به ملت‌گرایی
جهاد	تأکید بر جهاد همراه با خشونت	تأکید بر جهاد عاری از خشونت
دامنه تکفیر	کاربرد آن در مورد همه جوامع	کاربرد آن برای تمایز اسلام و کفر
حکومت سکولار	نفی و مبارزه با آن	قبول و اصلاح آن
خلافت	با رهبر خود بیعت می‌کنند و عملاً نوعی خلیفه‌گری کوچک شده را به نمایش می‌گذارند	ایده خلافت را با نظام پارلمانی و نمایندگی موافق می‌دانند
نوآوری‌های مدنیت غربی	نفی مطلق مدنیت غربی	با حذف جنبه استعماری آن، و حذف ضدیت با اسلام و ارزش‌های دینی، این تمدن، تمدنی پیشرفته و قابل الگوبرداری است
احترام به دیگر مذاهب	مبارزه با تمامی مذاهب غیر از خود از جمله شیعه	احترام به دیگر مذاهب و اصرار به عقل، علم، اجتهاد و نوآوری در دین
ت حزب و آزادی بیان	آن را مطلقاً خلاف شرع می‌دانند	موافقت با کثرت‌گرایی و ت حزب در جامعه اسلامی

نتیجه‌گیری

هویت اسلامی در دوران معاصر و در فرآیند جهانی‌شدن، همواره در معرض تهاجم و تعرض بیگانگان و در خطر استحاله بوده است که بحران هویت را برای جوامع اسلامی به دنبال داشته است. بروز انحطاط و زوال هویت، اندیشمندان اسلامی را به فکر حل بحران از طریق بیداری اسلامی انداخت. شکل‌گیری جنبش‌های هویتی اسلامی گوناگون در کشورهای اسلامی نتیجه این بیداری و در پاسخ به بحران هویت بوده است. سلفیه یکی از حرکت‌های فکری و عملی در جهان اسلام است که طی صدسال اخیر، محرک جنبش سیاسی در کشورهای اسلامی بوده است. سلفیه اصلاحی از بدو پیدایش، به افکار و اندیشه‌های اسلامی نظر داشته و مؤلفه‌هایی از قبیل وحدت جهان اسلام، مبارزه با استکبار، تأسیس نظام سیاسی را دنبال کرده است که با مفاهیم بدعت،

شرک، جاهلیت و نفاق از واژه‌های کاربردی در گفتمان سلفی افراطی فاصله دارند. جنبش سلفی اخوان المسلمین به‌رغم آنکه به سلف صالح معتقد است، در واقع، خود را از درگیری بین مذاهب اسلامی کنار کشید، زیرا اخوانی‌ها مسئله اصلی خود را اتحاد و اتفاق اسلامی و رهایی از یوغ بیگانگان در راستای تأسیس حکومت اسلامی قرار داده‌اند؛ بنابراین، در کمتر مواردی اعضای اصلی و بلندپایه اخوان درباره مسلمانان و شیعیان اظهارات تند داشته‌اند. سلفی نوگرای اصلاحی اخوان المسلمین به دنبال برپایی نظام سیاسی و اصول دموکراتیک است و فرصت‌هایی مهم را برای ایفای نقش در مصر فراهم کرده است. هرچند در تثبیت آن، موفق عمل نکرده است. سلفی‌گری جهادی تکفیری که به نوعی ریشه در اندیشه‌های سید قطب در مصر دارد. سلفی‌های تکفیری با توجه به قرائتی که از دو محور ایمان و کفر یا توحید و شرک دارند تمامی مسلمانان را کافر می‌شناسند. اینان چون ظاهرگرا هستند و عبادت را صرفاً به خضوع و خشوع معنا می‌کنند، همانند خوارج فکر می‌کنند و کسی را که مرتکب گناه کبیره شود، خارج از اسلام می‌دانند. این رویکرد به اندیشه‌های سیاسی آنان تسری می‌یابد. به این معنا که قائل به مرجعیت سیاسی سلف هستند و می‌گویند که خلافت به شکل اولیه خود ایجاد شود. این در حالی است که اندیشه سیاسی اهل سنت بیشتر شورامحور است نه خلیفه‌محور.

کتاب‌نامه

الف - کتاب

۱. آقابخشی، علی، ۱۳۷۴، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۲. آقایی، بهمن؛ صفوی، خسرو، ۱۳۸۶، اخوان المسلمین، تهران: رسام.
۳. احمدی، حمید، ۱۳۹۰، سیر تحول جنبش‌های اسلامی: از نهضت سلفیه سید جمال تا بیداری اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۴. پاکتچی، احمد؛ هوشنگی، حسین، ۱۳۹۰، بنیادگرایی و سلفیه: بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۵. پل، میشل؛ دوران، خالد، ۱۳۸۱، اسامه بن لادن و تروریسم جهانی، ترجمه هومن وطن‌خواه، تهران: نشر کاروان.
۶. حلبی، علی‌اصغر، ۱۳۸۴، تاریخ نهضت‌های دینی معاصر، تهران: انتشارات زوار، چاپ دوم.
۷. خامه‌پار، عباس، ۱۳۹۰، ایران و اخوان المسلمین؛ عوامل همگرایی و واگرایی، تهران: اندیشه‌سازان نور.
۸. دکم‌جیان، هرایر، ۱۳۷۷، جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
۹. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۳، لغت‌نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۰. شاذلی، سیدقطب، ۱۳۷۳، ما چه می‌گوییم، ترجمه سیده‌ادی خسروشاهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. شرابی، هشام، ۱۳۶۹، روشنفکران عرب و غرب، ترجمه عبدالرحمان عالم. تهران: انتشارات وزارت خارجه.
۱۲. فیرحی، داود، ۱۳۸۷، نظام سیاسی دولت در اسلام، تهران و قم: انتشارات سمت و مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم.
۱۳. فیرحی، داود، ۱۳۸۷، روش‌شناسی دانش سیاسی در تمدن اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۴. قادری، حاتم، ۱۳۸۶، اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تهران: انتشارات سمت، چاپ هشتم.
۱۵. علیانسیب، سید حسن، ۱۳۸۷، اسلام ابوسفیانی، تبریز: یاس نبی.
۱۶. طبسی، نجم‌الدین، ۱۳۸۵، سلفیان در گذر تاریخ، ترجمه مصطفی داداش‌زاده، قم: نشر امیرالعلوم.
۱۷. ضابط‌پور، غلامرضا، ۱۳۸۶، اندیشه سیاسی سید جمال، تهران: کانون اندیشه جوان.
۱۸. کاستلز، ایمانوئل، ۱۳۸۴، عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، جلد ۲، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
۱۹. محمودی، علی، ۱۳۹۰، بازخوردهای بنیادگرایی و سلفیه؛ چالش‌های نظری با جریان‌های سنتی و روشنفکری، در بنیادگرایی و سلفیه: بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی، به کوشش حسین هوشنگی و احمد پاکتچی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲۰. محمودیان، محمد، ۱۳۹۰، بنیادهای فکری القاعده، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، نهضت‌های اسلامی در صدسال اخیر، تهران: انتشارات صدرا، چاپ هجدهم.
۲۲. معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ لغات معین، تهران: انتشارات زرین.
۲۳. معینی علمداری، جهانگیر، ۱۳۸۹، روش‌شناسی نظریه‌های جدید در علم سیاست، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. منوچهری، عباس، ۱۳۹۰، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
۲۵. موثقی، سید احمد، ۱۳۸۶، جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران: انتشارات سمت، چاپ دهم.
۲۶. موسوی علیزاده، مهدی، ۱۳۸۹، سلفی‌گری و وهابیت، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و پاد اندیشه.
۲۷. موسی‌الحسینی، اسحاق، ۱۳۷۵، اخوان المسلمین بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران: انتشارات اطلاعات.

۲۸. میشلر، ریچارد، ۱۳۸۶، تاریخ جمعیت اخوان المسلمین از آغاز تا امروز، جلد ۱، ترجمه هادی خسروشاهی، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
۲۹. هیوود، اندرو، ۱۳۷۹، درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: انتشارات وزارت خارجه.

ب- مقالات

۳۲. احمدی، حمید، (۱۳۷۹)، «اسلام سیاسی و منتقدان آن؛ نقد و بررسی اندیشه‌های قاضی عسماوی درباره رادیکالیسم»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، شماره ۲۳، صص ۹۱-۱۱۸.
۳۳. احمدی، حمید، (۱۳۷۷)، «آینده جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه»، فصلنامه خاورمیانه، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، شماره ۱۴-۱۵، ص ۶۲.
۳۴. اخلاقی‌نیا، مهدی، (۱۳۸۹)، «مقایسه اندیشه سلفی اخوانی با جهادی»، فصلنامه جهان اسلام، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، شماره ۴۴، صص ۴۹-۸۱.
۳۵. اسپینوزا، جان آل، (۱۳۷۲)، «جنگ خلیج فارس؛ جنبش‌های اسلامی و نظم نوین جهانی»، ترجمه محمد ضیایی، فصلنامه دانش سیاسی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، شماره ۳، ص ۱۰۳.
۳۶. اکوانی، حمدالله؛ مختاری، علی؛ کیانی، امران، (۱۳۹۵)، «منازعه گفتمان‌های اسلام‌گرا و سکولار در جنبش انقلابی مصر (۲۰۱۱-۲۰۱۳) بسترها و نتایج»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، شماره ۱۷، صص ۱۶۴-۱۶۲.
۳۷. باقری، یوسف، (۱۳۹۳)، «جریان‌شناسی فرقه‌های سلفی در خاورمیانه و شمال آفریقا»، فصلنامه حبل‌المتین، تهران: دبیرخانه شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت، سال سوم، شماره ۹، ص ۶۷.
۳۸. سیدنژاد، سید باقر، (۱۳۹۰)، «رویکردشناسی فلسفی و معرفتی جریان سلفی‌گری»، فصلنامه فلسفه دین، قم: پردیس فارابی دانشگاه تهران سال هشتم، شماره ۱۱، ص ۱۳۱.
۳۹. سیدنژاد، سید باقر، (۱۳۸۹)، «سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره ۱، صص ۹۵-۱۲۲.
۴۰. شمسینی غیاثوند، حسن؛ نجفی جویباری، خورشید، (۱۳۹۱)، «واکاوی نوین‌ادگرایی اسلامی و جهانی‌شده هویت»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، شماره ۳، ص ۷۷.
۴۱. صالحی، عباس؛ رضایی، علیرضا، (۱۳۸۸)، «مبانی جنبش‌های اسلام‌گرایانه: نظریات و دیدگاه‌ها»، فصلنامه مطالعات سیاسی، گلستان: دانشگاه آزاد، شماره ۵، ص ۱۰.

۴۲. صبوری، ضیاء‌الدین؛ بردبار، احمدرضا؛ علیشاهی، عبدالرضا، (۱۳۹۴)، «انقلاب نافرجام ۲۰۱۲ مصر؛ نگرشی بر پارادوکس‌های اخوان المسلمین در نظر و عمل» فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، شماره ۱۳، صص ۹۳-۹۲.
۴۳. صفورایی پاریزی، محمدمهدی، (۱۳۸۶)، «معنای هویت و انواع آن»، ماهنامه دیدار آشنا، قم: مصباح، شماره ۲۷، ص ۳۷.
۴۴. عارف، رضا، (۱۳۸۹)، «هویت اسلامی ما»، دوفصلنامه تخصصی اسلام‌پژوهی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی شماره ۴، ص ۱۲۴.
۴۵. عارفی، محمداکرم، (۱۳۷۹)، «جنبش اسلامی پاکستان و چالش‌های ساختاری راهبردی»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، شماره ۲۷، ص ۱۷.
۴۶. عدالت‌نژاد، سعید؛ نظام‌الدینی، سید حسین، (۱۳۹۰)، «سلفیان تکفیری یا الجهادیون»، تاریخ تمدن اسلام، تهران: دانشکده الهیات و معارف اسلامی سال هفتم، شماره ۴، ص ۱۶۷.
۴۷. غفاری هشتجین، زاهد؛ صادقیان، هاجر، (۱۳۹۱)، «نقش جنبش‌های اسلامی در تقویت هویت اسلامی در عرصه جهانی شدن با تأکید بر جنبش‌های اسلامی فلسطین»، مجله دانش سیاسی و بین‌المللی، اصفهان: دانشگاه اصفهان شماره ۱، صص ۴۷-۶۴.
۴۸. فراتی، عبدالوهاب؛ مهدی بخشی، شیخ احمد، (۱۳۹۱)، «اسلام سیاسی و القاعده»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، سال اول، شماره ۲، صص ۵-۴.
۴۹. فوزی، یحیی، (۱۳۸۹)، «گونه‌شناسی فکری جنبش‌های اسلامی معاصر و پیامدهای سیاسی امنیتی آن در جهان اسلام»، فصلنامه مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال ۱۳، شماره ۴، ص ۱۷۰.

